

نقد و درآمدی بر «مارکسیسم و بوروکراسی»

مقدمه

شکل ابتدایی بوروکراسی که به ترتیب از دو کلمه «بورو» و «کراسی» به مفهوم «دفتر» و «حکومت» تشکیل شده است در کشورهای نظیر مصر و یونان به هزاران سال پیش برمی‌گردد اما مفهوم جدید آن نخستین بار در قرن هیجدهم و در فرانسه مورد استفاده قرار گرفت که بیشتر با سازمانهای بزرگ و پیچیده در ارتباط بود. بوروکراسی به سه مفهوم مختلف: الف- به مفهوم خصوصیت منفی سازمانها، که در حقیقت در زبان عامه مردم نیز همین مفهوم بکار میرود، ب- به مفهوم خصوصیت مثبت سازمانها، مفهومی که «ماکس وبر» بیشتر طرفدار آن بوده است و درحقیقت سازمانهای کامل و عاری از نقص اداری را شامل می‌شود، ج- به مفهوم سازمان و تشکیلات، بدون توجه به خصوصیت مثبت و منفی آن، کاربرد دارد^۱.

بوروکراسی بدین جهت اهمیت زیاد پیدا کرده است که در همه کشورهای جهان بخش مهمی از ساخت حکومت، مؤسسات و شرکتها را - که شامل یک سیستم گسترده متشکل از مدیران حرفه‌ای و سلسله مراتب بین آنها و کارکنان است - تشکیل می‌دهد، صرف‌نظر از اینکه در راه خیر گام بردارند یا در طریق شر و نحوه حکومت و اداره امور، بر پایه شیوه‌های استبدادی استوار باشد یا روشهای دموکراتیک. بدین ترتیب کلیه سازمانهای جدید اعم از دولتی یا خصوصی به‌خاطر حجم عظیم‌فعالیتها و شکل سازمان و ساختارشان نمایانگر نوعی بوروکراسی می‌باشند^۲.

بحث اصلی این مقاله پیرامون بررسی و تحلیل بوروکراسی از دیدگاه

۱- «پیتربلاو» بوروکراسی را چنین تعریف می‌کند: «تشکیلات و ترتیباتی که از طریق هماهنگ کردن کار افراد برای ایفای وظایف اداری متعدد و متنوع و پیچیده با نظم خاص بوجود می‌آید، بوروکراسی نامیده می‌شود». (بوروکراسی در اجتماع نو، ترجمه دکتر محمدعلی طوسی، از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، سال ۱۳۴۷، صفحه ۲).

2- Hans Rosenberg, "Bureaucracy, Aristocracy and Autocracy", The Prussian Experience, 1660-1815 (Boston, 1966), Page 1.

- مارکسیسم است که در حقیقت با مفهوم اول یعنی خصوصیت منفی سازمانها سروکار دارد. چارچوب این بحث را در چهار قسمت به شرح زیر قرار می‌دهیم:
- الف - مفهوم بوروکراسی از دیدگاه مارکسیسم
- ب - پیش‌بینیهای مارکسیسم در مورد بوروکراسی و حکومت
- ج - نظریات مارکسیسم در مورد بوروکراسی پس از پیاده شدن نظام سوسیالیستی
- د - علت عدم تحقق پیش‌بینیهای مارکسیسم در مورد بوروکراسی

الف: مفهوم بوروکراسی از دیدگاه مارکسیسم

همان‌طور که ذکر شد مارکسیسم بوروکراسی را از بعد منفی آن مورد توجه قرار می‌دهد، که می‌توان آن را به‌طور اختصار و به‌شرح زیر بیان نمود:

۱- بوروکراسی باعث از خودبیگانگی انسانها می‌گردد. در مورد کارگران کارخانه‌ها، از خودبیگانگی به‌این دلیل است که آنها مالک ابزار تولید نیستند و محصول کار نیز در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد. از طرفی هر کارگر بخشی از کار را به صورت تکراری انجام می‌دهد و زمان شروع و ختم کار نیز در اختیار وی نیست. این مطلب در نوشته‌های «مارکس» بخصوص در کتاب «سرمایه» زیاد مورد بحث قرار گرفته است.

۲- تقسیم کار که در حقیقت لازمه بوروکراسی و سازماندهی می‌باشد از نظر «مارکس» یک کار ناخوشایند و غیرقابل قبول است که در نهایت باعث کار تکراری و یکنواخت و از خودبیگانگی می‌گردد. او در این رابطه به‌نقل از «اورکوهارت»^۳ می‌گوید:

«تقسیم کار انسان در صورتی که سزاوار مرگ باشد، به معنای اعدام اوست و اگر سزاوار نباشد به معنای قتل اوست. تقسیم کار به معنای قتل یک ملت است»^۴.

۳- بوروکراسی هیچگونه نقش تولیدی ندارد و صرفاً درآمدهایی را که تولیدکنندگان واقعی ایجاد می‌کنند اخاذی می‌نماید. بوروکراسی پدیده‌ای زاید و انگل‌وار است که نقش تاریخی آن به پایان رسیده و با جامعه نوین هیچگونه رابطه‌ای ندارد و به‌همین دلیل بوروکراتها خود یک طبقه اجتماعی نیستند، بلکه در خدمت طبقات استثمارگر قرار دارند.^۵

ب: پیش‌بینیهای مارکسیسم در مورد بوروکراسی و نقش آن در جامعه نوین
سوسیالیستی

آنچه را که رهبران مارکسیسم بخصوص «مارکس» و «لنین»، قبل از تشکیل

3- Urquhart, D. (1855).

4- Karl Marx, "Capital, A Critic of Political Economy, Volume one, Introduced by Ernest Mandel, Translated by Ben Fowkes, Penguin Books Ltd, Reprinted 1979, page 485-485.

5- Eugene Kamenka and Martin Krygier, "Bureacracy, Ideas and Ideologies", The Career of a Concept. First Published by Edward Arnold. Ltd. 1979, Page 47-48.

- حکومت سوسیالیستی، درباره آینده سوسیالیسم و نقش بوروکراسی در آن مطرح کرده‌اند، می‌توان با ایجاز به شرح زیر بیان کرد:
- ۱- در جامعه سوسیالیستی وظایف اداری همچنان وجود خواهد داشت اما به «وظایف اداری ساده» تبدیل خواهند شد.^۶
 - ۲- در جامعه سوسیالیستی به‌کارگزاران و مأموران اداری نیز نیاز خواهد بود اما در آن، مأموران و کارگزاران دستمزد کمتری خواهند گرفت و از امنیت شغلی کمتری برخوردار خواهند بود. در هر حال ابهت اداری از بین خواهد رفت و امتیازات آن لغو خواهد شد.^۷
 - ۳- چون دستمزد کمتری به مأموران و کارگزاران پرداخت می‌گردد و همچنین نقش کارگزاری دولت از میان می‌رود، هزینه‌های اداری نیز کمتر و محدودتر خواهد گشت.^۸
 - ۴- مأموران انجام وظیفه در نظام سوسیالیستی از اینکه کارمند یا بوروکرات شوند احتراز می‌جویند.^۹

ج: نظرات مارکسیسم در مورد بوروکراسی پس از پیاده شدن نظام سوسیالیستی

پس از روی کار آمدن نظام سوسیالیستی در کشور شوروی و پس از اینکه رهبران مارکسیسم مشکلات اداری و بوروکراسی را از نزدیک لمس کردند، بتدریج دیدگاه‌های آنها تحت تأثیر واقعیتها قرار گرفت. در این مقطع زمانی یعنی از اکتبر ۱۹۱۷ به بعد بتدریج شاهد بیان نظریاتی توسط رهبران مارکسیسم هستیم که با گفته‌ها و نوشته‌های قبلی آنها تفاوت اساسی دارد و آنها را نقض می‌نماید. برای مشخص شدن این نظریات، آنها را به‌طور خلاصه و فهرستوار نقل می‌کنیم.

- ۱- در سال ۱۹۱۸ «لنین» در نوشته‌های خود اذعان می‌کند که اداره سازمانهای بزرگ نیاز به اطلاعات و تخصصهای زیادی دارد که حزب بلشویک فاقد چنین اطلاعات و تخصصها و همچنین فاقد مدیرانی است که از عهده این کار برآیند این کار از عهده افراد ساده و مأموران عادی بر نمی‌آید.^{۱۰}
- ۲- در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ «لنین» به این نتیجه می‌رسد که توده‌های کارگر حداقل در آن مقطع زمانی قادر به بسیاری از وظائف اداری نیستند و تا جایی از کار آنها مایوس می‌گردد که کارگزاران و مأموران اداری را متهم به نداشتن قدرت برای اداره کشور و صدور تصویب‌نامه‌های بی‌ارزش به این‌سو و آن‌سو می‌کند. نظر به اهمیت موضوع عین عبارت او را می‌آوریم:

«آیا کمونیستهای مسئول جمهوری فدرال سوسیالیستی شوروی در حزب

۶- همان مأخذ صفحات ۵۶ و ۵۷.

۷- همان مأخذ صفحات ۵۶ و ۵۷ و ۷۴.

۸- همان مأخذ صفحات ۵۶ و ۵۷.

۹- همان مأخذ صفحه ۷۵.

۱۰- همان مأخذ صفحه ۷۹.

کمونیست شوروی، درک کرده‌اند که قادر به اداره امور نیستند، و اینکه تصورشان این است که هدایت می‌کنند در حالی که واقعیت این است که هدایت شوند؟... آنان مرتب به چپ و راست فرمان و تصویب‌نامه صادر می‌کنند، اما نتیجه غیر از آن چیزی است که می‌خواهند»^{۱۱}.

۳- «لنین» در سالهای ۲۳ و در اواخر عمر خود اعتقاد پیدا می‌کند که باید برای متخصصان و تکنوکراتها در کارخانه‌ها و سیستم اداری امتیازاتی قائل شد و تا هنگامی که از وجودشان بی‌نیازی حاصل نشده است مانند تخم چشم خود از آنان محافظت کرد و حتی بیشتر از امتیازاتی که در کشورهای سرمایه‌داری از آن برخوردارند، برای آنان امتیاز در نظر گرفت. در همین دوره او اعلام می‌کند که برای یادگیری دانش بوروکراسی و کار بوروکراتیک لازم است به آمریکا و اروپا روی بیاورند. به‌خاطر اهمیت موضوع دو عبارت از گفته‌های او را عیناً نقل می‌کنیم:

«مسئولان و رهبران جامعه ما باید از هر متخصصی که کارش را آگاهانه انجام می‌دهد و فرد مطلع و علاقه‌مندی است، همچون تخم چشم خود محافظت کنند اگر چه نسبت به ایده‌های کمونیستی بیگانه باشد... باید به هر قیمتی به وضعیتی برسیم که در آن تا زمانی که جامعه کمونیستی به بالاترین مرحله تکامل خود نرسیده است، متخصصان به‌عنوان یک طبقه اجتماعی، بتوانند از شرایط بهتری از زندگی تحت لوای سوسیالیسم بهره‌مند شوند تا تحت لوای سرمایه‌داری»^{۱۲}.

«هر چیز کم و بیش ارزنده باید جمع‌آوری گردد، بخصوص آنچه که مربوط به آسان کردن کار بوروکراتیک می‌باشد... به نظر من اکنون لازم‌ترین چیز برای ما یاد گرفتن از اروپا و آمریکا است»^{۱۳}.

۴- تشکیل حکومت سوسیالیستی در شوروی و تجربه سالهای نخست آن ضمن اینکه واقعیت‌های زیادی را برای رهبران مارکسیسم مجسم نمود، آنها را در مقابله با عدم موفقیتها و تحقق آرمانهایشان وادار به انتقادات و پیش‌بینی‌هایی کرد که در آنها نیاز به یک بررسی مجدد نظریه بوروکراسی از دیدگاه مارکسیسم نشان داده می‌شود. در اینجا به‌چند نمونه از این پیش‌بینیها اشاره می‌کنیم.

پیش‌بینیهای «مارکس» و «لنین» در مورد اینکه در جامعه نوین سوسیالیستی کار بوروکراتیک ساده خواهد شد و هر فرد یا کارگر ساده می‌تواند از عمده آن برآید و پیش‌بینی اینکه هر نوع امتیاز مربوط به بوروکراتها در جامعه نوین لغو خواهد گشت و ابهت اداری از بین خواهد رفت در سالهای اولیه برقراری حکومت سوسیالیستها توسط خود لنین رد شد و او صریحاً ادعا کرد که اولاً، مشکلات پس از انقلاب به‌خاطر ضعف آنها در سازماندهی و نداشتن تجربه در کارهای بوروکراسی بیش از حد قیاس است و باید در این زمینه از نیروهای متخصص استفاده کرد و آنان را همچون تخم چشم خود گرامی داشت، ثانیاً، اعلام کرد که لازم است به این

۱۱- همان مأخذ صفحه ۷۹.

۱۲- همان مأخذ صفحه ۸۰.

۱۳- همان مأخذ صفحه ۸۱.

نیروهای متخصص امتیازاتی داده شود تا جایی که میزان امتیازات آنان کمتر از امتیازات متخصصان در کشورهای سرمایه‌داری نباشد. جالب اینکه برای دادن این‌گونه امتیازات هیچ‌گونه قید یا شرط اعتقاد به مکتب سوسیالیسم را ننگنجانند و نظر او این بود که به متخصصین باید امتیاز داد حتی اگر آنها نسبت به ایده‌های سوسیالیستی بیگانه باشند.

پیش‌بینی مهمتر مربوط به «تروتسکی» است که در سال ۱۹۳۶ یعنی نزدیک به دوده پس از روی کار آمدن حکومت سوسیالیستی در شوروی ارائه شده است. «تروتسکی» که در این زمان دوران تبعید خود توسط استالین را در مکزیک می‌گذراند، در کتاب معروف خود به نام «انقلاب خیانت‌شده»^{۱۴} پیش‌بینی خود را برای جامعه شوروی و در ارتباط با بوروکراسی بر دو فرضیه بنا می‌نهد. یکی سقوط بوروکراسی یا دیوانسالاری حاکم بر شوروی به دست یک حزب انقلابی بلشویکی است که در این صورت کلیه امتیازها لغو می‌شود، درآمدها تعدیل می‌گردد و جوانان فرصت اندیشیدن، انتقاد کردن و شکل دادن به شخصیت خویش را می‌یابند. دوم بازگشت شوروی به جامعه سرمایه‌داری است که توسط بوروکراتها و دیوانسالاری حاکم بر شوروی صورت خواهد گرفت. در این صورت نیز دستگاه دولتی تصفیه خواهد شد اما این بار به منظور تجدید حیات بورژوازی و برقراری مالکیت خصوصی این تصفیه صورت خواهد پذیرفت^{۱۵}.

هیچیک از دو فرضیه «تروتسکی» برای آینده جامعه شوروی تحقق پیدا نکرد. نه حزب انقلابی به صورتی که مورد نظر «تروتسکی» بود پیدا شد که بوروکراسی حاکم را پالایش نماید و حاکمیت بوروکراتها و دیوانسالاری را براندازد و کلیه امتیازها را لغو کند و نه جامعه شوروی به دامن سرمایه‌داری سقوط کرد و مشابه کشورهای غربی شد. دهها سال پس از این پیش‌بینی هم، چنین تغییرات عمیقی روی نداد و عملاً این پیش‌بینیها تحقق پیدا نکردند^{۱۶}.

د: علت عدم تحقق پیش‌بینیهای مارکسیسم در مورد بوروکراسی

دیدگاه مارکسیسم در مورد بوروکراسی به عنوان یک عامل منفی که باعث از خود بیخود شدن انسانها می‌گردد، می‌توان تا حدودی مقبول واقع گردد و این موضوع مهمی است که جامعه‌شناسان و روانشناسان در یک قرن اخیر که قرن صنعت و تکنولوژی می‌باشد درباره آن زیاد بحث کرده‌اند^{۱۷}، اما آنچه که در این مقاله مورد بحث است پیش‌بینیهای مارکسیسم در مورد بوروکراسی و راه‌حلهایی می‌باشد که

14- The Revolution Betrayed

۱۵- همان مأخذ.

۱۶- برای توضیح بیشتر این قسمت رجوع شود به:

دکتر عبدالله جاسبی - «اصول و مبانی مدیریت»، فصل دوم کتاب، از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، بهار ۱۳۶۸.

17 S. R. Parker, R. K. Brown, J. Child, and M. A. Smith, The Sociology of Industry, Revised Edition, Cox and Wyman Ltd. London, 1972.

پیروان این مکتب ارائه داده‌اند.

نداشتن مالکیت ابزار تولید و محصول کار خود در کارگران که توسط «مارکس» بیان شد نتوانست به‌عنوان علت اصلی «ازخودبیگانگی» آنها مورد قبول قرار گیرد و همان‌گونه که «مارکس و پر» و دیگران اظهار داشته‌اند، نداشتن مالکیت ابزار و محصول کار اختصاص به کارگران ندارد بلکه کارکنان دولت، سربازان و شاغلین نظامی نیز فاقد مالکیت ابزار و محصول کار خود می‌باشند.

پیش‌بینی‌های مارکسیسم همان‌گونه که در قسمت «ج» این مقاله بحث شد - تحقق پیدا نکرد و راه‌حلم‌های آنها نیز نه تنها نتوانست مسئله بوروکراسی به مفهوم منفی آن را در جوامع سوسیالیستی از بین ببرد بلکه به‌اعتراف رهبران کشورهای سوسیالیستی، بوروکراسی حاکم بر جوامع آنها بمراتب سنگین‌تر و شدیدتر از نوع بوروکراسی‌های حاکم بر کشورهای غیرسوسیالیستی می‌باشد.^{۱۸} این موضوع بخصوص اکنون که بیش از هفتاد سال از تشکیل اولین حکومت سوسیالیستی می‌گذرد و با تجربه‌ای که مجموع کشورهای سوسیالیستی پیدا کرده‌اند، روشن‌تر از هر زمانی قابل تأمل است، و نیاز به یک بازنگری اساسی را در دیدگاه‌های مارکسیسم و در زمینه بوروکراسی نشان می‌دهد. البته روند حرکت انقلاب اکتبر از همان ابتدا این نگرانی را در ذهن بسیاری از رهبران مارکسیسم بوجود آورد از جمله «روزا- لوکزامبورگ»^{۱۹} که از پیش‌تازان انقلابی مارکسیسم است در سال ۱۹۱۸ نسبت به پیدایش یک بوروکراسی گسترده در شوروی احساس نگرانی می‌کرد و اظهار داشت: «با وارد کردن فشار به زندگی سیاسی سراسر کشور، زندگی در شوراها نیز هرروز فلج‌تر می‌شود. بدون انتخابات و مطبوعات آزاد، بدون آزادی اجتماعات و برخورد عقائد، زندگی راستین در هر سازمان عمومی رو به‌زوال می‌گذارد و زندگی دروغین جایگزین آن می‌شود. در چنین تشکیلاتی فقط دیوانسالاری به‌شکل یک‌عنصر فعال به زندگی خود ادامه می‌دهد، زندگی عمومی تدریجاً به‌خودی می‌گراید. تنی چند از مغزهای متفکر و نخبگان طبقه کارگر هرچند گاه یکبار برای کف‌زدن‌های ممتد به سخنرانیهای رهبر و تأیید دسته‌جمعی قطعنامه‌ها، به‌نشست‌ها فرا خوانده می‌شود»^{۲۰}.

البته می‌توان بخشی از بوروکراسی حاکم بر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را به عدم وجود آزادی‌های اجتماعی و وجود دیکتاتوریهای حزبی مربوط دانست ولی نگارنده، علت‌العلل از خود بیخود شدن انسانها را در جوامع سوسیالیستی به‌طور اخص و در جوامع صنعتی عموماً یک‌بعدی کردن زندگی انسان و بسیج کردن تمامی نیروهای خلاقه وی در جهت افزایش تولید و کارایی می‌داند که از همان

۱۸- بخشی از اظهارات جدید گورباچف رهبر کنونی شوروی در مورد تجدیدنظر در وضعیت زندگی مردم و ارائه آزادیها در ارتباط با سیستم بوروکراسی خشک و بی‌روحي است که زندگی را از طراوت و شادمانی می‌اندازد.

19- R. Luxemburg.

۲۰- وافگانگ لئونارد، ترجمه م - احمدی، در آستانه انقلابی تازه؟ آینده کمونیسم شوروی، از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، صفحه ۱۶.

جهان‌بینی مادی حاکم بر این جوامع نشأت می‌گیرد. تا زمانی که انسان وسیله‌ای است برای تولید بیشتر و فکر و جسم انسان باید به‌گونه‌ای بکار افتد که تنها سطح تولید و کارایی را در جامعه افزایش دهد، بخش مهمی از وجود انسان که با جهان‌بینی مادی قابل توجیه و تفسیر نیست، معطل خواهد ماند و انسان فقط در یک بعد از مفاهیم زندگی که همان بعد مادی است رشد خواهد کرد و در بعد دیگر که معنویات و سرچشمه همه فداکاریها، ایثارها و هدایتهاست توقف خواهد نمود. بدین ترتیب انسان، یک بعدی و از خود بیخود خواهد شد. دنیای غرب نیز که ظاهراً با ایجاد آزادیهای اجتماعی وانمود می‌کند که قادر است از خودبیگانگی را حذف کند عملاً در نظام صنعتی و اداری خود موفقیت‌زایی برای از بین بردن این بیماری بدست نیاورده است و مقالات و کتابهای نوشته شده در دهه‌های اخیر پرده از این معضل اجتماعی برمی‌دارد، چرا که در جوامع صنعتی غرب نیز انسان نه هدف بلکه وسیله‌ای است که برای تولید بیشتر و رفاه مادی‌پرتر تلاش می‌کند، گرچه این تلاش بعد انسانی او را در بوته فراموشی قرار دهد (۲).

خلاصه و نتیجه‌گیری

- ۱- سابقه بوروکراسی گرچه به تاریخ تشکیل حکومتها در هزاره‌های قبلی برمی‌گردد، اما به مفهوم جدید و مشخص آن از پدیده‌های جامعه صنعتی و سازمانهای پیچیده و گسترده اداری قرن حاضر است.
- ۲- یکی از مفاهیم بوروکراسی یا به عبارت بهتر دیوانسالاری خصوصیت منفی سازمانهای بزرگ است که باعث از خود بیخود شدن انسانها و تبدیل انسان به یک ابزار یا وسیله فاقد روح و حیات می‌گردد.
- ۳- مارکسیسم با اعتقاد به مبارزه با بوروکراسی به مفهوم منفی آن تشکیل جامعه نوین سوسیالیستی را تنها راه محو بوروکراسی می‌دانست و ضمن تحلیل‌های اقتصادی - اجتماعی پیش‌بینی‌هایی برای جامعه سوسیالیستی فاقد بوروکراسی قبل از تشکیل اولین حکومت سوسیالیستی در شوروی بعمل آورد.
- ۴- پیش‌بینیهای مارکسیسم در زمینه محو آثار بوروکراسی به مفهوم منفی آن در جامعه سوسیالیستی تحقق پیدا نکرد و اکثر پیش‌بینیها و نتیجه‌گیریها نیز در عمل با شکست مواجه شد.
- ۵- به اعتقاد نگارنده، اشکال اساسی و محور اصلی در بوروکراسی امروز جوامع صنعتی و سازمانهای بزرگ و پیچیده، هدف قرار گرفتن رشد مادی و افزایش سطح تولید و کارایی می‌باشد که در آن انسان وسیله‌ای است همچون سایر وسایل برای تحقق این هدف. این موضوع انسان را یک بعدی می‌کند و بخشی از خصوصیات انسان را که مربوط به معنویات و جهان غیرمادی می‌باشد، نادیده می‌گیرد و این خود

۲۱- هنگام نگارش این مقاله بخشی از پیام امام خمینی به گورباچف منتشر شد که در آن انگشت روی اساسی‌ترین ضعف دنیای ماتریالیسم - که کمونیسم نیز جلوه‌ای از آن می‌باشد - گذاشته شده است و آن مادی شدن کامل انسان و انکار خدا و معنویات می‌باشد.

باعث از خودبیبگانگی و یک بعدی شدن انسان می‌گردد. توضیح مربوط به چگونگی از خودبیبگانگی و دلایل مبنی بر یک بعدی شدن انسان و کنار گذاشتن بعد معنوی و الهی خود بحثی جداگانه است که در مقاله‌ای دیگر باید مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- ترجمه دکتر طوسی، محمدعلی - بوروکراسی در اجتماع نو - انتشارات مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اجتماعی.
- 2- Rosenverg, Hans, "Bureaucracy, Aristocracy and Autocracy", The Prussian Experience, 1660-1815 (Boston, 1966).
- 3- Marx, Karl, "Capital, A Critic of Political Econoiny Volume one, Inroduced by Ernest Mandel, Translated by Ben Fowkes, Penguin Books Ltd. Reprinted 1979.
- 4- Kamenka, Eugene and Krygier, Martin "Bureacracy, Ideas and Ideologi-es", Thee Career of a Concept, First Publised 1979 Edward Arnold Ltd.
- ۵- دکتر جاسبی، عبدالله - اصول و مبانی مدیریت - انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، بهار ۱۳۶۸.
- 6- Parker, S. R, Brown, R. K, Child, J and Smith, M. A - The Sociology of Industry, Rivised Edition, 1972, Cox and Wyman Ltd. London.
- ۷- لئونارد، وافگانگ - ترجمه احمدی. م - در آستانه انقلابی تازه؟ آینده کمونیسم شوروی، از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.